

بررسی نهضت ترجمه در دوران عباسی و تاثیر آن بر توسعه کتابخانه ها

سهیلا پایان

sohilapayan@gmail.com

استادیار گروه درس عمومی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران

مجله علمی پژوهشی تاریخ واحد محلات/شبا ۲۰۰۸-۰۲۷۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۸

چکیده

با بررسی سیر تاریخی اسلام از زمان ظهور آن تا دوره‌ی خلافت عباسی میتوان به اهمیت علم و دانش و تاکید بر فراگیری آن مشاهده نمود گر چه در اوایل ظهور با توجه به جنگهای پی در پی و اوضاع سخت مسلمانان چندان فرهنگ کتابخانه‌های رونق و رواج پیدا نکرد اما با نزدیک شدن به دوران خلافت عباسی این مهم تقریباً تحقق پیدا نموده است از این رو مقاله حاضر تلاش دارد تا با بهره‌گیری از روش تحقیق اسنادی و تاریخی مهمترین عوامل موثر بر توسعه کمی و کیفی کتابخانه در این دوره را مطالعه نماید از این رو در مقاله این سوال مطرح است که چگونه و از چه طریق نهضت ترجمه عامل مهم توسعه فرهنگ کتابخانه‌های در دوران خلافت عباسیان بوده است؟ یافته‌های مقاله نشان میدهد که توصیه قران و سنت به علم آموزی، نقش دارالعلم و بیت الحکمه، نقش حکومت‌های اسلامی در توجه به علم و دانش، نقش مساجد و مکاتب، نقش فرهنگ حاکم بر عصر عباسی، نهضت ترجمه، توسعه کاغذ و تغییر و تحول نظام آموزش و پرورش عصر عباسیان مهمترین عوامل موثر بر توسعه فرهنگ کتابخانه‌های به حساب می‌آید.

کلیدواژه‌ها: نهضت ترجمه، خلافت عباسی، توسعه علم، فرهنگ کتابخانه‌های

در اسلام و تمدن اسلامی علم و دانش همواره در کانون توجه قرار گرفته و بر کسب و نشر آن تاکید فراوانی شده است این عامل همواره مسلمانان را به جستجوی آن بر انگيخته است و در این راستا سفارشات فراوانی نموده است این موضوع سبب شد تا حکومت اسلامی چه از صدر اسلام و چه در دوران بعدی همواره در پی رونق علم و دانش باشند اوج این شکوهمندی در دوران خلفای عباسی به بار نشست و علم و دانش از قرب، منزلت، توسعه، رونق و نشر فراوانی برخوردار گردید عوامل بسیاری در این مسئله دخالت مستقیم و غیر مستقیم داشته‌اند از جمله آنها میتوان به اولاً، با مراجعه به آیات قران کریم و سنت رسول خدا(ص) همواره نوعی ارزش و قرب فراوان علم و توصیه و سفارش به آن دیده میشود که این موضوع بر بینش مسلمان در این زمینه تاثیر گذار بوده است ثانیاً، با گذر از دوره‌ی بنی امیه و رسیدن به دوران عباسیان در واقع نوعی صلح، آرامش، کاهش جنگ و رفاه نسبی فراهم شد که این موضوع زمینه ساز نوعی آرامش سیاسی نیز گردید و زمینه برای توجه حاکمان این دوره به علم و به تبع آن فرهنگ کتابخانه‌های نمودند، ثالثاً؛ مهمترین رخداد تاثیر گذار بر پیشرفت و توسعه‌ی فرهنگ کتابخانه‌های نهضت ترجمه و نقل علوم از زبان‌های مختلف به عربی در قرن دوم و سوم است عوامل فوق به عنوان عوامل اصلی و رفت و آمد دانشمندان به بلاد اسلامی، افزایش ترجمه متون از زبانهای دیگر، مناظره‌های علمی و غیر به عنوان کاتالیزور افزایش فرهنگ کتابخانه‌های در دوران عباسیان میباشد آنچه ضرورت و اهمیت مقاله حاضر را نشان میدهد که درک درست از رخدادهای معاصر متضمن بازنگری گذشته، مفهوم دهی و به سامان درآوردن آن است زیرا تاریخی نوعی گفتگوی بی پایان میان گذشته و حال میباشد بنابراین با بررسی تجربیات گذشته و درک درست از آن همواره میتواند راهکاری مهم برای رفع چالشهای عصر معاصر و عدم توجه مردم به فرهنگ کتاب و کتابخانه میباشد

مبانی و مفاهیم تحقیق

در این قسمت تلاش می شود تا مهمترین مفاهیم مقاله حاضر یعنی علم، اهمیت علم در مکتب اسلام، نهضت ترجمه را مورد بررسی قرار دهیم.

الف- تعریف علم از منظر مکتب اسلام

تعریف علم در مکاتب مختلف متفاوت است هر چند که وجه مشترکی نیز بین همه آن ها وجود دارد؛ وجه مشترک آن ها این است که همه به دانستن چیزی که انسان قبلا نمی دانست، علم می گویند، اما اسلام تنها دانشی را علم می نامد که جهت توحیدی داشته و بر خوف و خشیت او بیافزاید. لذا قرآن کریم در آیه ۲۸ سوره فاطر می فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ از میان بندگان خدا، تنها عالمان از او می ترسند.» (مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۷) و در روایات متعددی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «كَفَى بِخَشْيَةِ اللَّهِ عِلْمًا؛ علم برای خشیت و ترس از خدا کافی است.» (مصطفوی، ۱۳۷۹: ۱۶)

بنابراین تفاوت عمده اسلام با مکاتب بشری در تعریف علم این است که اسلام علم را به عنوان یک واژه مقدس در جهت رشد، تعالی و سعادت بشر به خدمت می‌گیرد و لذا جهت گیری الهی را در آن شرط می‌داند و مطلق دانستن را علم نمی‌شمارد. از این رو اسلام علم را نوری می‌داند که خدا در قلب بندگان قرار می‌دهد؛ «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ» (مصطفوی، ۱۳۷۹: ۱۶) به همین دلیل است که خداوند متعال در قرآن کریم، تعلیم سحر و جادو را شیطانی و باطل معرفی کرده است؛ «وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ» زیرا سحر انسان‌ها را در مسیر توحید پیش نمی‌برد و از نورانیت الهی برخوردار نیست و دانشی شیطانی است. (قرآن کریم، سوره بقره: ایه ۱۰۲)

ب- دلایل اهمیت علم و دانش در فرهنگ اسلامی

علم به عنوان بزرگترین ارکان هر فرهنگ و تمدن است و مطالعه در باب علم و دانش ملل و اداب و رسوم آنها بر عهده‌ی مورخ است این وظیفه در تاریخ اسلام مهمتر به نظر می‌آید زیرا علوم اسلامی با سیاست حکومت‌های اسلامی و اوضاع و احوال آن کاملاً مربوط می‌شود و از آن جهت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که تاریخ علوم اسلامی با تاریخ علوم قبل از اسلام مربوط می‌شود این موضوع زمانی حائز اهمیت دوچندان است که مسلمانان علوم پیشینیان یا نتایج افکار ملت‌های باستانی را به زبان خود نقل کرده‌اند و در حقیقت وارث علوم، حکمت، و اداب ملت‌های قدیم از جمله ایران، یونان، مصر و غیره گشته‌اند (عبادی، ۱۳۹۳: ۹۶) کوچ اعراب به خارج از شبه جزیره عربستان و اقامت آنها در بین نو مسلمانان غیر عرب و رسالت تبلیغ احکام اسلامی و دینی از سوی این مسلمانان و نحوه‌ی گسترش فرهنگ اسلامی عربی در سرزمین‌های فتح شده از مسائل مهم و قابل ملاحظه در تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی می‌باشد (غنیمه، ۱۳۷۷: ۴-۶) بنابراین میتوان استدلال نمود که خود اسلام نیز عامل اصلی و مهم در ترویج و توسعه علم بوده است چرا که تولید و توسعه علم در تمدن اسلامی که به لحاظ تئوری و در شیوه عملی مورد عنایت خاص قرار گرفته است نشان دهنده آن است که از یک طرف بن مایه‌های این توسعه، منابع اصیل اسلامی (قرآن، سنت و روایات) بوده و دین اسلام با علم و تمدن تعارضی ندارد و از طرف دیگر در ایجاد تمدن اسلامی ملت‌های متمدن دیگر نیز نقش داشته و مسلمانان از اندوخته‌های علمی سایر تمدن‌ها بهره برده‌اند که صرفاً مصرف کننده و تقلید کننده صرف از فرهنگ‌های دیگر و پیشرفته‌های علمی آنان نبودند بلکه آن را نقد کرده و سره را از ناسره جدا نموده و خود در سایه اسلام و تعالیم آن به تولید علم پرداختند به طوری که در طول چند قرن در علوم مختلف از جمله ریاضیات، نجوم، شیمی، فیزیک، پزشکی و... پیشرفت شگفتی نمودند. و از طرف دیگر نیز مسلمانان صدر اسلام با استفاده از رویکرد تعلیم و آموزش پیشرفت علمی در جوامع اسلامی را فراهم آوردند چرا که، آموزش در سنین جوانی با مطالعه زبان عربی و قرآن آغاز می‌کردند. برخی از متولیان سپس به آموزش تفسیر (تفسیر قرآن) و فقه (فقه اسلامی) می‌پرداختند که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. در چند قرن اول اسلام، محیط‌های آموزشی کاملاً غیررسمی بود، اما به مرور زمان، نخبگان حاکم با تلاش برای تأمین حمایت و همکاری علما (مذهبی) شروع به تأسیس موسسات آموزش عالی دینی موسوم به مدارس نمودند. مدارس به زودی در سراسر جهان اسلام تکثیر شد، که به گسترش یادگیری اسلامی به فراتر از مراکز شهری و متحد کردن جوامع مختلف اسلامی در یک پروژه مشترک فرهنگی کمک کرد. Jonathan

(Berkey ۲۰۰۴) در حدیثی از پیامبر (ص) در باب اهمیت علم میفرماید: «هرکس آن را بیاموزد از خدا می ترسد. هرکس آن را بخواد خدا را پرستش می کند. هر که از آن صحبت کند خدا را ستایش می کند هر که آن را پخش کند، صدقه تقسیم می کند؛ هر کس که آن را داشته باشد، مورد احترام قرار می گیرد. [زیرا که] علم ما را از خطا و گناه حفظ می کند. جاده به بهشت را روشن می کند. محافظ ما در سفر، معتمد ما در صحرا است، و همدم ما در تنهایی است. ما را از طریق لذت ها و غم های زندگی راهنمایی می کند...» (Scott, 1904: 111) یا در خصوص اهمیت علم و دانش در میان مسلمان معروف است که آنها معتقد بودند: «هرکسی که راه دانش را طی کند، خدا او را به جاده بهشت هدایت می کند. به راستی، برتری یک انسان فرهیخته نسبت به یک عبادتگر صرف مانند ماه کامل نسبت به همه ستارگان است!» (Scott, 1904: 214)

در این راستا در قرآن کریم این سؤال انکاری مطرح می شود که آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند برابرنند؟ در حقیقت خردمندان هستند که پند می پذیرند. و مسلم است که برتری و رجحان مختص آنان است که می اندیشند و می دانند. (فقیهی و پور امینی، ۱۳۸۸: ۱-۴) مولای متقیان امیرالمؤمنین علی (ع) در رابطه با مبارزه با جهل و بی سوادی اشاره نمود که می فرماید «علم بهتر است از مال، زیرا علم حافظ و نگهدار تو است ولی تو حافظ و نگهدار مال، مال از بخشیدن کم می شود ولی علم افزونی می یابد محصول و پدیده دارائی با از بین رفتن آن، زائل می شود ولی پدیده دانش از بین رفتنی نیست آشنائی با دانش و دانستن فضیلت آن رکنی از ارکان دین و همانند دینداری لازم و واجب است، به وسیله دانش است که آدمی در زمان حیاتش اطاعت و بندگی پروردگار و بعد از مرگش نیکنامی را به دست می آورد علم نسبت به مال حاکم و مال نسبت به آن محکوم است.» (صبری، ۱۴۰۱: ۱۶۸)

ج- نهضت ترجمه

نهضت ترجمه یک حرکت بود که از بیت الحکمه (خانه حکمت) در بغداد شروع شد که در آن تعداد زیادی از مقالات یونانی به عربی ترجمه شد. البته پیش از این هم مرو و هم جندی شاپور کما بیش با فرهنگ و اندیشه یونانی آشنا بودند و آثار یونانی به آن سرزمین ها راه یافته بود. در سایه کوشش ایرانیان علاقه مند به فرهنگ یونانی که در دربار نفوذ داشتند، ترجمه علوم از زبان های فارسی، سریانی و یونانی به عربی آغاز شد بنابراین در خصوص اهمیت و تعریف نهضت ترجمه میتوان بیان داشت که "در قرن چهار هجری کار ترجمه تقریباً به پایان رسید. مسلمانان در قرن دوم و سوم هجری به نقل علوم بیگانه و فهم آن پرداختند ولی در قرن چهارم هجری خود در این علوم تحقیق کردند و به جمع آوری، تحصیل و تولیدات شخصی روی آوردند. ترجمهها غالباً، به رغم اختلاف در فرهنگ و زبان شامل آثار مهم فلسفی و علمی بود. و به رغم اینکه کار ترجمه بیشتر در دست مسیحیان سریانی بود، ولی قرن چهار، صرطلایی مترجمان عربی است." (جمیلی، ۱۳۸۵: ۷۵).

بحث:

دوره ی عباسیان یکی از دوران رونق، شکوفایی و توسعه علم، دانش و فرهنگ کتابخانه ای میباشد که عوامل فراوانی در این قضیه دخیل میباشد از این رو در ادامه به بررسی تک تک آنها پرداخته میشود

الف- نقش توصیه های قرآن و سنت در افزایش فرهنگ کتابخانه ای

اسلام با تشویق و تحریک مسلمانان به علم اندوزی زمینه را برای توسعه علمی آنها فراهم نموده و اجازه استفاده از پیشرفتهای علمی سایر تمدن ها را داده است و از پیروان خود می خواهد که فقط مصرف کننده پیشرفتهای علمی دیگران نبوده و خود تولید کننده علم باشند. سیره عملی و رفتاری پیامبر(ص) فراگیری علم و دانش را تأیید می نماید. آن حضرت در مواجهه با معتکفین مسجد در قالب دو گروه که عده ای دعا می خواندند و عده ای دیگر گفتگوی علمی می نمودند با نیک شمردن هر دو کار، گفتگوی علمی را افضل دانسته و خود به آن گروه می پیوست. (میان، ۱۳۵۹: ۲۴-۲۶) یا در خصوص اهمیت علم و دانش در میان مسلمان معروف است که آنها معتقد بودند: «هرکسی که راه دانش را طی کند، خدا او را به جاده بهشت هدایت می کند. به راستی، برتری یک انسان فرهیخته نسبت به یک عبادتگر صرف مانند ماه کامل نسبت به همه ستارگان است!» (Scott, 1904: 214)

به همین دلیل در تمدن اسلامی، اسلام، قرائتی جدید از فرهنگ و تمدن بشری ارائه کرده که در آن اصول و مبانی خاصی مطرح شده و ساختار، ابعاد و دست آوردهای مطابق با آن اصول را بیان داشته است. در ضرورت این موضوع همان بس که برخلاف برخی نظریه پردازان غربی، مسلمانان فقط استفاده کننده صرف نبودند بلکه خود تولید علم و دانش داشته و تمدن جدیدی را به وجود آوردند به طوری که تمدن نوین غرب از تولیدات علمی مسلمانان نهایت بهره برداری را کرده است. پرفسور استانیسلاس گویدارد(۱۸۸۴-۱۸۴۶ م) در کتاب سازمانهای تمدن امپراطوری اسلام می نویسد: «با اینکه ادیان آسمانی، توجهی به جنبه های مادی بشر ندارند، اما قرآن است که از علوم طبیعی و ریاضی بحث نموده است و همین اصول است که چشم دانشمندان و مورخین و علمای جامعه شناسی را خیره ساخته است.» (زمانی، ۱۳۴۸: ۲۸۴) یا جورج سارتن نیز ضمن نتیجه گیری هایش می پرسد: «... اگر کاملاً درنیابیم که در اسلام همه علوم حول مرکز ثقل قرآن قرار دارند، چگونه می توانیم به درک درستی از آنها دست یابیم؟» (جرج ساتن، ۱۳۶۴: ۴۳)

بنابراین می توان گفت که در تمدن اسلامی تولید علم امری قطعی بوده است و فرهنگ اسلامی زمینه ساز نقد سایر تمدن ها و ایجاد نهضت تولید علم بوده که مسلمانان چراغ تمدن های پیشین که در حال خاموشی بود را روشن نگه داشتند و در علوم مختلف پیشرفت هایی نمودند که در تمدن های گذشته بی سابقه بوده است و اساس ایجاد تمدن جدید غرب، تولیدات علمی و پیشرفت علوم در تمدن اسلامی بوده و به تعبیر صحیح تر، جهان غرب در تمدن امروز خود وامدار جهان اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی است. (فقیهی و پور امینی، ۱۳۸۸: ۱-۴) فوستل دوکولانژ فرانسوی

هم تمدن و اجتماع بشر را از قدیمی ترین مراحل خود، زائیده مذهب و تحت تأثیر شدید آن دانسته است. (حجازی، بی تا: ۲۰)

گرچه مسلمان ها تا اوائل قرن دوم بر اثر اشتغال به فتوحات و مسائل ناشی از آن، آنطور که انتظار می رفت، فرصت پیدا نکردند علوم اسلامی را تدوین و تکمیل نموده و اشاعه دهند ولی کم کم که آرامش نسبی و رفاه اقتصادی بر کشور پهناور اسلامی آن روز، حکم فرما گردید، مردم فرصت و امکانات بیشتری پیدا کردند تا کوششهای بی دریغ و خستگی ناپذیری را در راه پیشرفت دانش و فرهنگ آغاز کنند طولی نکشید که سیل دانش مسلمین، سراسر دنیای اسلام را که شامل تمام ممالک آفریقائی ساحل مدیترانه، اسپانیا و کشورهای آسیائی تا هند بود، فرا گرفت و اکثریت مسلمین قدرت خواندن و نوشتن را پیدا کردند «ژرف ماک کاپ» درباره پیشرفت فرهنگی و علمی مردم این زمان می نویسد: «حتی پست ترین طبقات مردم، تشنه خواندن کتاب بودند کارگران به غذای کم و جامه ژنده قناعت می کردند، برای آنکه بتوانند، تا آخرین شاهی خود را کتاب، خریداری نمایند» (ارسلان، ۱۳۷۰: ۱۱۲) از این رو می توان گفت که مثلث زندگی بشر را دین، فرهنگ و تمدن می سازد. به طوری که فرهنگ و تمدنی را در نزد هیچ قومی نمی توان یافت مگر آنکه شکلی از مذهب در آن وجود داشته باشد. ، (ارسلان، ۱۳۷۰: ۱۱۲) فوستل دوکولانژ فرانسوی هم تمدن و اجتماع بشر را از قدیمی ترین مراحل خود، زائیده مذهب و تحت تأثیر شدید آن دانسته است. (حجازی، بی تا: ۲۰) اعم موارد فوق و توجه به توصیه های قران و سنت زمینی لازم برای گسترش کمی و کیفی کتابخانه ها و همچنین فرهنگ کتابخانه های فراهم نمود.

ب- دارالعلم

دارالعلم عبارت بود از موسساتی که به وسیله افرادی تاسیس می شدو در آنجا وسایل لازم برای مطالعه و تحقیق در سطح بالا فراهم می گردید و معمولا دارای کتابخانه ویژه ای بود و حجره هایی جهت سکونت دانش پژوهان، چه بسا استاد یا استادانی هم در آنجا بودند که دانش پژوهان از راهنمایی آنان استفاده می کردند و حتی در بعضی از این موسسات مخارج دانش پژوهان نیز تامین می شد. (ثواقب، ۱۳۸۱: ۱۲۸) بنابراین دارالعلم نهادی فرهنگی/پژوهشی است که میتوان آن را حلقه اتصال خزانه الحکمه و بیت الحکمه (در عصر اول عباسی) با مدرسه (از قرن پنجم هجری به بعد) محسوب کرد در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری با زوال تدریجی نهادهای بیت الحکمه و خزانه الحکمه، دارالعلمها وظیفه حفظ میراثهای علمی و نشر دانش را برعهده گرفتند (دائمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۷۳-۵۷۴) بررسی مدارک تاریخی، بیانگر این واقعیت است که دارالعلمها ساز و کاری مبتنی بر وقف داشتند، چند منظوره بودند و از لحاظ اداری جنبه رسمی داشتند. هسته اصلی هر دارالعلم کتابخانه ای مفصل از انواع کتب دینی، علمی و فنی بود که با تأکید بر سه عنصر پژوهش، آموزش و مباحثه، عالقه مندان و دانشمندان را به سوی خود فرا می خواندند. علاوه بر این، تشکیل جلسات منظم بحث و مناظره و اعطای مقرری به استاد و شاگرد از ویژگیهای بارز این مراکز بوده است به علت اهمیت روزافزون دارالعلمها باید بیشتر کتابخانه های بغداد را طی قرن چهارم و پنج قمری، جدای از فعالیت های کتابداری، مراکز مهم پژوهشی قلمداد کرد که از سراسر جهان اسلام اهل

علم و مشتاقان را جذب می کردند و ضمن فراهم ساختن رفاه معیشتی، ابزارها و ملزومات مطالعه و تحقیق را در اختیارشان می گذاشتند. نمونه‌های بارز این مراکز دارالعلم شاپور، دارالعلم شریف رضی، دارالعلم صابی، و بعدها دارالعلم ابن المارستانیة میتوان نام برد (دائمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۷۳-۵۷۴)

ج- نقش حکومت‌های اسلامی

حکومت‌های اسلامی به دلایل مختلف علاقه‌مند بودند امور رعایا را در مسیر طبیعی و صحیح قرار دهند. لذا تا حدود زیادی امور تعلیمات را به دست گرفتند. فرزندان اقشار مختلف در مقابل مبلغی اندک در مدارس مشغول تحصیل بودند. اکثر معلمین توسط حکام به کار گماشته می شدند و در برخی موارد آموزش رایگان بود. رقابت حکام در حمایت و جذب علما نیز در بالا بردن علم و دانش نقش زیادی داشت. امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) ضمن بیان یک رشته سخنان پرارزش، توسعه علم و دانش و گسترش و بسط فرهنگ را از وظایف حکومت اسلامی دانسته می فرماید: «ای مردم من بر شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی، اما حق شما بر من این است که همواره شما را اندرز و نصیحت کنم و خیرخواهتان باشم و سرمایه‌های مالی و حقوقی‌تان را زیادتر کنم و برای آنکه در جهل و نادانی نمانید و در مقام عمل خوشرفتار و مودب باشید نسبت به آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت شما قیام کنم.» (ثواب، ۱۳۸۱: ۱۲۸) همه موارد فوق سبب شد تا زمانی که به تدریج جامعه اسلامی جلوتر می رفت نیاز به موسسات تعلیمی در آن بیشتر احساس می شد. مساجد و مکتب‌ها نخستین محل تعلیم و تربیت بودند. تشکیل دارالعلم‌ها و در مرحله بعد بیت‌الحکمه و در کنار آن کتابخانه‌ها و رصدخانه‌ها نقش عمده‌ای در شکوفایی تمدن مسلمانان داشت. این روند با تاسیس جامع‌الازهر و نظامیه‌ها به اوج خود رسید. غیر از موارد یادشده علل دیگری مانند ممنوع بودن احتکار علم و دانش، قائل نبودن زمان خاص برای کسب علم، کسب علم از هر کس که باشد و لو غیر مسلمان، نیز در سیر و پیشرفت مسلمین موثر بوده است همه اقدامات فوق بخصوص مراکز علمی همه بر اساس تلاش و فعالیت حکومت های اسلامی رونق گرفته است.

د- نقش مسجد در توسعه فرهنگ کتابخانه ای

مساجد در صدر اسلام علاوه بر اینکه محلی برای برپایی نماز و مناسب دینی بود اما به آن خلاصه نشده بلکه همزمان چندین نقش و کارکرد را ایفا مینمود یکی از این نقشها بسط و گسترش دانش علمی مسلمان و کارکرد تعلیم و تربیت آنها میباشد در این راستا میتوان استناد نمود که آموزش اسلامی با دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نخستین مربی و معلم مسلمانان و از مسجد که در واقع پایگاه تعلیماتی مسلمانان بود، آغاز شد؛ مسجد که در عصر نبوت و دوره‌ی خلفای راشدین بنای بسیار ساده و ابتدایی داشت، مجمع نو مسلمانانی شد که برای حل و فصل مسائل جدید، در آن آمد و شد داشتند. اقامه‌ی نماز، استماع سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در باب آیاتی که وحی می شد، تبلیغ دین و ابلاغ احکام شرع، اعلان جنگ و جهاد و عقد صلح، تقسیم غنائم جنگی، ارسال نامه‌ها، تشییع جنازه و مسائلی از این قبیل که بیشتر آن‌ها با هجرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله

وسلم) به مدینه جاری شد، در واقع «مسجد» کهن ترین دانشگاه اسلامی و اساسی ترین پایگاه تعلیمات در تاریخ اسلامی به شمار رفته و می رود (غنیمه، ۱۳۷۷: ۴) طبق گفته مکنسن، آموزش و یادگیری در بیشتر مساجد بزرگ به "یک حرفه کاملاً کامل" تبدیل شد و مدرسه مسجد بعداً شباهت آکادمی یا حتی یک دانشگاه را پیدا کرد. (Mackensen, 1935: 123) در واقع مراکز آموزش عالی به قدری مهم است که امروزه بسیاری از آنها بعنوان قدیمی ترین دانشگاههای جهان وجود دارند. (Dodge, 1962: 25) در این میان القیراوان و الزيتونا در تونس، الازهر مصر و الکرروییین (قراوییین) در فاس، مراکش. آنها به عنوان مکان های مشهور، نام های بزرگی از بورس تحصیلی مسلمانان را به خود جلب کردند، یا به عنوان دانشجو، یا معلم یا هر دو. بسیاری از فارغ التحصیلان مساجد مسلمان اسپانیا ابن رشد، ابن السیغ و ابن باجه بودند. در بصره (عراق) الخلیل بن احمد در یک مسجد درباره فلسفه سخنرانی می کرد و یکی از شاگردان وی سیبوی بود که بعداً به یکی از مشهورترین دستور زبانان عربی در همه زمان ها تبدیل شد. (Al-Khuli, 1961: 17) در این راستا واردنبرگ توضیح دهد: «که از همان ابتدا، مسجد مرکز جامعه اسلامی، محلی برای نماز، مراقبه، دستورات مذهبی، بحث سیاسی و یک مدرسه بود. و هر کجا که اسلام به تسخیر خود درآمد، مساجد تأسیس شد و دستورالعمل های اساسی آغاز شد. این مساجد پس از تأسیس، می توانند به مکان های شناخته شده یادگیری تبدیل شوند، اغلب دارای صدها نفر، گاهی اوقات با هزاران دانش آموز، و اغلب دارای کتابخانه های مهم هستند» (Artz: 1980: 151)

ذ- نقش مکتب در توسعه فرهنگ کتابخانه ای

مکتب در زمره نخستین مکان هایی است که برای آموزش قرآن و آموزه های دینی و تعلیم الفبا در حد مقدماتی و ابتدائی پدید آمد و بر حسب نیاز و مقتضیات زمان در مکانهای مختلف از جمله مساجد، منازل، دکانها و در جوار مدارس شکل میگرفت که عمدتاً به کودکان پنج تا شش ساله اختصاص می یافت و دوره تحصیل آنان تا سن بلوغ استمرار مییافت و در حقیقت برخی از این مکاتب، داوطلبان را برای ورود به مراحل بعدی تعلیم و تربیت یعنی مدارس آماده میکردند (Artz: 1980: 151) یا به عبارت دیگر می توان گفت که مکتبخانه ها از نخستین و رسمی ترین نهادهای آموزشی و ابتدائی بود که به زبان عربی «کتاب» می خواندند و از پیوند آن با ریشه «کتب» می توان دریافت که «نوشتن» یکی از برنامه های اصلی در آن بوده است. آموزگاران این مرکز به معلم الصبیان و یا معلم الکتابی مشهور بودند. کودکانی که در این مکتبخانه ها درس می خواندند در جای دیگری که ویژه یاد دادن قرآن و مقدمات دینی بود به آموختن می پرداختند. «منظور اصلی و هدف از به وجود آمدن این مدارس این بود که هر کس بتواند آگاهانه به دین اسلام وارد شود و مسلمان واقعی گردد، از روی احساس و احتیاج داخلی و آزادانه و خود به خود به وجود آمدند و هیچ کس دستوری در این مورد صادر نکرده بود، چون هر مسلمان می بایست روزانه آیاتی از قرآن را بخواند» (هونکه، ۱۳۸۶: ۳۹۹) غزالی که خود از اندیشمندان و صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت در این دوره است، در باب پنجم از نصیحه الملوک از ضرورت وجود مکتب در جهت تحقق اهداف تعلیم و تربیت سخن به میان آورده و میگوید: «نخست خانه است، سپس مکتب و برنامه مکتب (برای کودکان) باید عبارت باشد از خواندن و نوشتن،

قرآن، اخبار و تاریخ، حکایات پارسایان، سیرت صحابه، اخلاق و ادب...» (منتظری، ۱۳۸۸: ۱۹۷) این مکتب‌خانه‌ها در ایران توسعه یافت به طوری که مکتب در ایران در دوره‌ی عباسیان به اوج رشد و توسعه خود رسید و در تمام محلات مسکونی ایرانی مکتب‌خانه‌ای وجود داشت. در این مکتب‌خانه‌ها به تدریج کودکان غیر مسلمان نیز راه یافتند. به نظر می‌رسد که در زمان حکومت متوکل عباسی از ورود این کودکان به مکتب‌خانه‌ها جلوگیری می‌شد، اما این ممنوعیت زمانی طولانی ادامه نداشت. (درانی، ۱۳۸۰: ۶۷) بنابراین در جمع‌بندی از بحث میتوان بیان داشت که هدف مکتب، که هنوز هم در بسیاری از کشورهای اسلامی وجود دارد، آشنا کردن کودکان با خواندن و نوشتن بخصوص تعلیم اصول دین بوده است و شامل پسران و دختران می‌شده است. کلاس درس عموماً در مساجد کوچک برگزار می‌شد ولی گاه جز مسجد، مکتب‌خانه‌های خصوصی هم وجود داشت. در این دوره، مکتب‌های بسیاری برای آموزش نونهالان، وجود داشت که نقش بسیار مهمی در تعلیم و تربیت ایفا میکردند به استناد قول قافوت حموی در معجم الابداء «تدریس این مکتب‌خانه‌های کوچک را عهده‌های از معلمان با تقوا بر عهده داشتند و اکثر آنها اجرتی برای کار خود دریافت نمیکردند مولف تاریخ عرب می‌نویسد: «روش مدرسه‌های ابتدایی -مکتب- در آموزش قرآن تمرکز می‌یابد که جای هر کتابی را برای خواندن دانش‌آموزان می‌گیرد و آیاتی از آن‌را برای یادگیری و نوشتن بر می‌گزینند. دانش‌آموزان با خواندن و نوشتن و دستور زبان عربی، سرگذشت پیامبران به ویژه حدیث‌های پیامبر را فرا می‌گیرند» (سالم، ۱۳۸۰: ۴۲) درباره شماره مکتب‌ها تاریخ ساکت است با این همه در سده دوم وسده‌های پس از آن، شماره مکتب‌ها و معلمان چندان افزایش یافت که در هر روستایی یک مکتب و گاهی بیشتر بنیاد شد. ابن حوقل، نزدیک سید آموزگار مکتب را در شهر و تاریخ بغداد نیز از یک مکتب کودکان یتیم-کتاب الیتامی- یاد کرده است. (البغدادی، ۱۴۰۷: ۱۱۴) بنابراین تا زمان عباسیان مکاتب همچنان نقش آموزشی و تربیتی خود را حفظ نموده اند اما بنای اولین مدرسه را عده‌های به مامون نسبت داده‌اند که همان موسسه‌ی معروف بیت الحکمه بوده است تاسیس بیت الحکمه عباسی نقش مهمی در گسترش کتابخانه‌ها در جهان اسلام داشته است و از آن پس بزرگان از خلفا تقلید کرده و به تاسیس کتابخانه‌های خصوصی و عمومی همت گماشته‌اند از جمله علی ابن یحیی منجم (۲۷۵هـ) کتابخانه‌های به نام «خزانه الحکمه» در کاخ خود ایجاد کرد و درهای آن را به روی اهل علم و مطالعه گشود تا مردمان دانش‌های گوناگون را فرا گیرند فتح بن خاقان وزیر متوکل (۲۴۷هـ) نیز کتابخانه‌های بزرگ به همین شیوه فراهم نمود در گزارشی آمده است که پیش از حکومت عمر، مردم، خود، به آموزش فرزندان شان یا بزرگسالان می پرداختند

مدارس اصولاً به مطالعه قوانین اسلامی اختصاص داشتند، اما دروس دیگری مانند الهیات، پزشکی و ریاضیات را نیز ارائه می دادند. (Lapidus, Ira, 2014: 9) بنابراین مسلمانان از نظر تاریخی رشته‌هایی را که از تمدن‌های پیش از اسلام به دست می آوردند، مانند فلسفه و پزشکی، که آنها را "علوم باستان" یا "علوم عقلی" می نامیدند، از علوم دینی اسلامی متمایز می کردند. علوم از نوع سابق برای چندین قرن شکوفا شد و انتقال آنها بخشی از چارچوب آموزشی را در اسلام کلاسیک و قرون وسطی تشکیل داد. در بعضی موارد، آنها توسط موسساتی مانند بیت الحکمه در بغداد پشتیبانی می شدند، اما بیشتر اوقات به طور غیررسمی از معلم به دانش آموز منتقل می شدند. Berkey, (۲۰۰۴) در حالی که تحصیلات رسمی در مدارس فقط برای مردان امکان پذیر بود، زنان خانواده‌های برجسته

شهری معمولاً در محیط های خصوصی تحصیل میکردند و بسیاری از آنها در مطالعات حدیثی، خوشنویسی و شعرخوانی اجزا (دیپلم) دریافت می کردند. زنان شاغل متون دینی و مهارتهای عملی را عمدتاً از یکدیگر می آموختند ، اگرچه آنها همچنین همراه با مردان در مساجد و خانه های شخصی نیز مقداری آموزش می دیدند. (Lapidus, Ira, 2014: 210)

ر- نقش فرهنگ حاکم عصر عباسیان بر رونق کتابخانه

در سه قرن اول خلافت عباسیان، به دلیل توجه خلفا به ادبیات، کلام، فلسفه، علوم طبیعی و مسائل اقتصادی تمدن سلامی بسیار شکوفا شد (باسورث، ۱۳۸۱: ۴۷). با ظهور خلافت عباسیان و تحت حکومت خلفایی همچون منصور، هارونالرشید، مأمون و حتی متوکل، دانشمندان به چنان درجهای تشویق شدند که از زمان تشکیل موزه اسکندر به بعد دیده نشد. آغاز این حرکت به دست منصور بود. او پس از عزم بنای شهر بغداد، متخصصان و مهندسان شهرسازی را احضار کرد و نقشه شهر را طراحی نمود. سپس به راهنمایی «نویخت» که ستاره شناس زبردستی بود، سنگ شالوده شهر را بر زمین گذاشت. وی برای شهرت بخشیدن و عظمت آفرینی برای شهر تازه تأسیس خویش، دانشمندان متعددی را از مراکز علمی به بغداد فرا خواند و ذیل حمایت خویش گرفت (اولیری، ۱۳۷۴: ۲۳۳). او اگرچه خساست و بخل فراوانی داشت و پادشاهی که به مردم میداد بسیار ناچیز و از روی کراهت و سختی بود، به دانشمندان توجه خاصی داشت. بدین ترتیب، خلفای عباسی بذر علم و ادب را در بغداد و سایر شهرهای بزرگ آن دوران افشاندند و بغداد که مرکز خلافت و ثروت اسلامی بود، مقر دانشمندان شد و گذشته از پزشکان مسیحی که در خدمت خلفا بودند و به ترجمه و طبابت اشتغال داشتند، دانشمندان مسلمان نیز در بغداد پرورش یافتند (زیدان، ۲۰۰۱: ۲۵۷؛ به نقل از رضایی، ۱۳۹۰: ۵۲) اهمیت علم و دانش در میان مسلمان و گسترش آرامش سیاسی، رونق اقتصادی و باز شدن فضای فرهنگی در این دوره کم کم زمینه لازم برای ایجاد نهضت ترجمه و به تبع آن فرهنگ کتابخانههای فراهم نمود و در زمان عباسیان به اوج خود رسید به گونهای که خلفای عباسی اهمیت و جایگاه والایی برای فرهنگی، علمی، ترجمهای و کتابخانههای قائل بودند در راستای اثبات این مدعا میتوان بیان داشت که «در تواریخ آمده است که مأمون شبی ارسطو طالیس حکیم معروف یونانی را در خواب دید و از او مسائلی پرسید و چون از خواب برخاست، به فکر ترجمه کتاب های آن حکیم افتاد. پس نامه ای به پادشاه روم نوشت و از وی خواست مجموعه ای از علوم قدیم بلاد روم را برای او بفرستد. پادشاه روم پس از گفت و گوی بسیار، این درخواست را پذیرفت. (ابن الندیم، ۱۴۱۷: ۳۵۳) مأمون جمعی از دانشمندان مانند حجاج بن مطر، ابن بطریق و سلمی سرپرست بیت الحکمه (کتابخانه بسیار بزرگ و معروف بغداد) را مأمور انجام این مهم نمود. آنان آن چه را از بلاد روم یافتند و پسندیدند، گرد آوری کرده، نزد مأمون فرستادند و او دستور ترجمه آن ها را داد ابن ندیم در خصوص این خواب و اهمیت آن در رونق علمی و کتابخانههای عصر عباسیان می گوید: «این خواب یکی از اسباب نشر کتاب های فلسفه گردید. مأمون از راه مکاتبه که با پادشاه روم داشت، در مقام استفاده برآمد و از او خواست که اجازه بدهد مأمون چند نفری را به روم روانه دارد تا از علوم باستانی که در خزائن آن جا بود، چیزهایی را انتخاب کنند و با خود بیاورند.

پادشاه روم در ابتدا روی موافقت نشان نداد، ولی بالاخره پذیرفت و جواب مساعد داد. مأمون گروهی از جمله حجاج بن مطر، ابن بطریق، سلمی متصدی بیت الحکمه و چند نفر دیگر را بدان سوی روانه داشت و آنان نیز چیزهایی را انتخاب کردند و با خود آوردند که به امر مأمون، همه آن‌ها ترجمه گردید. گویند: «یوحنا بن ماسویه» نیز از جمله آن فرستادگان به روم بود (ابن الندیم، ۱۴۱۷: ۳۵۳) عوامل فوق و اهمیت علم در مکتب اسلام زمینه ساز نهضت ترجمه در عصر عباسیان شد بنابراین میتوان بیان داشت که یکی از مهمترین اتفاقات برجسته عصر عباسیان، که نقطه اوج آن نیز در این دوره بوده، نهضت ترجمه میباشد. در دوره عباسیان، مسلمانان برای اخذ و نشر علوم و احادیثی که از پیامبر اکرم (ص) در تشویق به دانش طلبی نقل فرموده بودند؛ و همچنین به دلیلی وجود اسباب و موجبات دیگر، شروع یک نهضت علمی در قلمرو اسلام را مسبب گشت (زرینکوب، ۱۳۹۲: ۴۷). یتینگون (به نقل براون از او) بیان می کند: «فعالیت عجیب علمی مسلمین کمتر از فتوحات حیرت انگیز آن‌ها نبود؛ از جمله این که قیصر روم (بیزانس) متعجب شد وقتی که دید از جمله شروط صلحی که وحشیان غالب (مقصود مسلمانان است!) به رومیان تحمیل کردند، حق جمع آوری و خرید نسخه های کتب یونانی بود و نیز تعجب کرد از این که یک نسخه مصور کتاب دیسکوریدس (مفردات ادویه) بهترین هدیه ای بود که او به یک امیر مسلمان دوست اهدا کرد (تقوی زاده، ۱۳۵۰: ۲۳۰-۲۳۱)

اما نکته‌ی بسیار حائز اهمیت در توسعه‌ی علم و دانش در زمان عباسیان آشنایی آنها با فرهنگها و تمدنهای ملل دیگر میباشد آنجا که طه حسین، اندیشمند نابینای مصری، درباره‌ی تأثیر ناروایی که آشنایی مسلمانان با فرهنگ های بیگانه به خصوص فرهنگ یونانی گذاشت، می نویسد: «سپس چیزی نگذشت که با فرهنگ های بیگانه به خصوص فرهنگ یونانی و از همه بیشتر با فلسفه یونانی آشنا شدند. این ها همه روی مسلمانان اثر گذاشت و آن را وسیله دفاع از دین خود قرار دادند. آن گاه قدمی فراتر نهادند و عقل قاصر بشری را بر هر چیزی حاکم شمردند و گمان کردند تنها عقل سرچشمه معرفت است و تدریجاً خود را بی نیاز از سرچشمه وحی دانستند این ایمان افراطی به عقل، آنان را فریفته ساخت و به افراط و دوری از حق گرفتار آمدند. همین اشتباه بود که درهای اختلاف را به روی آنان گشود و هر جمعیتی به استدلالات واهی تمسک جستند و شماره فرقه های آنان را از هفتاد گذراند. (طه، ۱۳۸۸، ۲۶۶)

ن - نقش نهضت ترجمه

پس از اوج دوران فتوح و فروکش کردن حملات مسلمانان به دیگر سرزمین‌ها که حکومت اسلامی ثبات یافت برای اولین بار شاهد ظهور نهضت ترجمه از حیث تمدنی و فرهنگی تاریخ اسلام هستیم. اگرچه ترجمه در این عصر در مقایسه با قرون بعدی، از حیث محتوا، ابتدایی و ضعیف است اما این عصر نقطه شروع ترجمه در شرق و غرب جهان اسلام محسوب می‌گردد. (جمیلی، ۱۳۸۵: ۷-۸)، در باب نهضت ترجمه و شروع آن در دوره خلافت عباسیان خالدی و همکاران بیان میکنند که: «دوران عباسی یکی از درخشان‌ترین اعصار اعراب از حیث ادبیات علوم و هنر بوده است. اعراب در تماس مستقیم دریافتند که کشورهای همسایه در ابعادی مشخص از فرهنگ و تمدن به چه چیزی دست پیدا کرده‌اند. نخستین نشانه‌های اقتباس جدید اندیشه‌های اسلامی، تولید ترجمه های عربی بود که محتویات جهانی

مهمی در خصوص فلسفه و علم داشته‌اند. ۸۰ سال بعد از پایان دولت اموی، زمانی که جهان عرب ترجمه‌هایی از بخش اعظم آثار ارسطو داشت، تفسیر به روز شدهی آثار افلاطون، برخی از تحقیقات افلاطون، بخش اعظم آثار جالینوس، بخشی از آثار پزشکی و توضیحات آنها و بسیاری از کتب یونانی، هندی و فارسی پدیدار شد» (Khalidi 570) موارد فوق نشان دهنده عزم جزم عباسیان در راستای شکل دهی به نوعی نهضت ترجمه بوده که تلاش داشتند با ترجمه متونی از زبان های دیگر بر دایره علم و متون علمی بی افزایند در این راستا مارشال هاجسون تاریخدان در کتاب " Venture of Islam (۱۹۷۴) می‌گوید: «طی ۵ قرن بعد از سال ۹۴۵ پس از میلاد، جامعه ای جدید و گسترده تر، جایگزین جامعه خلیفه محور قدیمی شد. این جامعه شاهد توسعه فرهنگی و زبانی تحت پوشش دولت های مستقل بود و جامعه ای نبود که با نظم سیاسی مرکزی و یا یک زبان و یا فرهنگ مشترک کنترل شود. این جامعه به جامعه ای تبدیل شد که از فرهنگ، وجود و ویژگی‌هایش آگاه بود. این جامعه چند زبانه فرا فرهنگی بدون قطع، اثر گذارترین و گسترده‌ترین در سراسر جهان بود.

و- امنیت سیاسی و اتمام فتوحات و جنگها

دوره خلافت عباسیان در واقع شروع دوره‌های بود که در آن کمکم جنگهای پیدر پی خلافت اسلامی با دیگر ادیان و سرزمینهای مجاور به اتمام رسید. در طی این دوره، خصوصا در دوره اول خلافت عباسیان و در زیر سایه اقتدار خلفایی همچون، منصور، هارون و مامون، امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و .. حاصل گشت. بنابراین مسلمانان چون از جنگهای طولانی به طور کامل دست کشیدند، کم کم جهت رشد و ارتقاء حکومت اسلامی، به فکر علوم و فنون و صنایع مختلف افتادند. در نتیجه در طی این دوره فعالیتهای علمی از سر گرفته شد و مورد تشویق و حمایت خلفا قرار گرفت؛ کتب مختلف در زمینهای مختلف از سراسر دنیا خصوصا از ایران، یونان و هند جمع‌آوری گشت و نهضت ترجمه شروع به فعالیت خود نمود. تمامی این موارد نیاز جامعه عباسی را به مراکز علمی و کتابخانهها مهیا ساخت و در همین زمان بود که مرکز بزرگی به نام بیتالحکمه جهت تجمع دانشمندان و عالمان و پرداختن به امور ترجمه و فعالیتهای علمی دیگر برپا گردید.

ه-رشد کاغذ:

یک نوآوری مهم این عصر کاغذ بود هنر ورق سازی از زندانیان نبرد طلاس به دست آمده و باعث شد تا در سمرقند و بغداد کارخانه های کاغذ سازی به راه افتد. اعراب نیز تکنیک های استفاده از پوست درخت توت را با استفاده از نشاسته که توسط چینی ها اختراع شده بود ارتقاء بخشیدند تا ترجیح مسلمانان را به استفاده از قلم در برابر قلم موی چینی ها نشان دهند. (پاسی ۱۹۹۰). در آخر قرن نهم صدها کارگاه به استخدام کتاب نسخه های خطی و صحافین کتابها در بغداد در آمده و حتی کتابخانه‌های عمومی نیز تاسیس شدند که جزو نخستین کتابخانه های وام دهنده کتاب بودند. در اینجا بود که صنعت کاغذ سازی به سمت غرب به آندلس و از آنجا در قرن سیزدهم به اروپا راه پیدا کرد (پاسی ۱۹۹۰). مکنسن و پینتو (۱۹۲۹) به کرات در خصوص کتابخانه های اسلامی قرون وسطا

نوشته و جایگاه و نقش آنها را در جامعه اسلامی مشخص کرده‌اند بنابراین میتوان بیان داشت که مجموعه های کتب عمومی آنقدر گسترده بود که پیدا کردن یک مسجد و مکتبی از هر نوع در سرزمین اسلامی بدون مجموعه‌ای از کتب که در دسترس دانشجویان و یا خوانندگان باشد غیر ممکن به نظر می‌رسید از این رو در جمع‌بندی از بحث میتوان بیان داشت که در قرون دوم و سوم هجری یعنی دوران حوکت عباسیان، کاغذ ظهور پیدا کرد و توسعه چشمگیری یافت. در این دوران مردمی را که به این حرفه مشغول بودند، مستنسخ یا وراقون مینامیدند. طبق نظر ابن خلکان، این وراقون معمولاً استنساخ و تجلید کتاب را بر عهده داشتند. وراقون برای این صنعت جدید، بازار بزرگی را در بغداد به دست آوردند که در آن بیش از یک صد مغازه کاغذ فروشی وجود داشت (عبدالله بن دوحیش: ۱۲۶). به طور کلی از زمان هارون کاغذ فراوان شد و استفاده از آن رواج یافت. چون نوشته روی پوست قابل از بین رفتن و پاک شدن بود، بنابراین تألیف و کتاب در این زمان رونق گرفت (جمیل، ۱۳۸۵: ۵۵).

ی- تغییر و تحول در نظام آموزشی عباسیان

با سقوط خلافت امویان و روی کار آمدن عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ ه. ق) تاریخ آموزش وارد عرصه ای نوین شد. روی اوری به آموزه های اصیل اسلامی و باز آموزی مجدد قرآن کریم در سایه فعالیت همه جانبه علمی ائمه اطهار ع والبته عصر نوحواهی مسلمانان و حضور ایرانیان با درایتی چون خاندان آل برمک و یا خاندان سهل در دربار خلافت اسلامی و از دیگر سو ُ علاقه مندی خلفای عباسی به علوم مختلفی چون نجوم، طب، فلسفه، ایبات، سیاست و حتی علم تفسیر و اخلاق ، موجب شد شرایط جدیدی به ویژه در عرصه آموزش و پرورش اسلامی فراهم شود. (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۲۷۵-۲۹۰)

آنچه بر روند رو به رشد آموزش در جامعه عباسیان سرعت بخشید تنوع علوم و کثرت شاخه های مرتبط با کلام، الهیات و فقه بود که متقاضیان بی شماری را به عرصه آموزش فرا خواند و بدین رو معلمان بر جسته ای در مکاتب علمی پرورش یافتند. بی تردید همین امر تنوع و توسعه علم اندوزی و دانش افزایی را دامن زد و روش های تعلیمی را از ادوار پیش متفاوت کرد. بنابراین در سده دوم هجری و سده های پس از آن شمار مکتب خانه های فزونی یافت. در اواخر قرن چهارم هجری نیز در کنار مساجد به عنوان کانون آموزش اولیه ُ مراکز علمی جدید به نام مدارس تاسیس شد که هر یک به نوعی در امر آموزش دخالت داشتند. در این مراکز ُ معلمان بسیاری به تدریس می پرداختند. ابن حوقل، سیاح و جغرافی نگار قرن چهارم آورده است : ۳۰۰ آموزگار در سیسیل (پالرمو) مشغول به تدریس بودند». به دلیل ثبات فتوحات اسلامی در عصر عباسیان، مراودات فرهنگی و تجاری جایگزین مناسبات نظامی شد و بدین رو رفت و آمد به بغداد و مراکز فعال علمی آن فزونی گرفت.

در بلاد معظمه، آموزشگاه های زیادی وجود داشته چنانکه «بنجامین تطیلی» که در سال ۱۱۷۳ م وفات کرده می‌نویسد: من در اسکندریه ۲۰ آموزشگاه را دیدم که دائر بوده است. علاوه بر آموزشگاه‌های عمومی در بغداد، قاهره، طلیطله، قرطبه و غیره دانشگاه‌هایی تأسیس یافته بودند که در آنها لابراتور، رصدخانه، کتابخانه‌های بزرگ و سایر

آلات و ادوات تحقیق مسائل، وجود داشت چنانکه در اندلس هفتاد کتابخانه عمومی موجود بوده است در قرطبه در کتابخانه «الحاکم دوم» ۶۰۰/۰۰۰ جلد کتاب وجود داشت که ۴۴ جلد آن مخصوص فهرست کتابخانه بوده در صورتیکه «شارل حکیم» در ۴۰۰ سال بعد که کتابخانه دوتی پاریس را تأسیس نمود، بعد از زحمتهای زیاد فقط توانست ۹۰۰ جلد کتاب جمع آوری کند که یک ثلث آن هم کتابهای مذهبی بوده است. در کتاب انسان در تکاپوی تمدن می خوانیم: «این نکته را نباید فراموش کرد که پیروان کلیسا در اثر رفت و آمد و معاشرت با مسلمانان که به نظر اروپاییان منفور بودند، از علم و دانش بهره مند شدند. بهره ایکه در محیط خود، محال بود بدست آورند. به گفته ادوین پالو تمام موسسات اروپا از فقیر و غنی و از با سواد تا بیسواد و از خانه و کلیساتا مدرسه و دولت همه در تحت تاثیر این مسافرتها قرار گرفتند.» (زمانی، ۱۳۴۸: ۲۸۴) در جای دیگر این کتاب می خوانیم: «فراموش نشود اعراب و مسلمین در بنیانگذاری اروپا و تمدن درخشانی که از درون تاریکیهای هزاره قرون وسطی بیرون می آید سهم فراوانی داشتند.» (زمانی، ۱۳۴۸: ۲۸۴)

به تبع توسعه و رونق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بغداد - به عنوان مرکزیت خلافت اسلامی وانتقال بسیاری از موارث ایرانی و سایر تمدن ها بدانجا؛ نظام آموزش نیز متحول شد. دو شهر کوفه و بصره و مساجد جامع آنها به دلیل نزدیکی به ایران و جندی شاپور، کانون فعالیت علمی شدند. علم صرف و نحو بر رونق علمی این دو شهر افزود و دو مکتب بصری و کوفی پا گرفت. پیشوای مکتب بصری، سیبویه (۱۸۳ ه.ق) نحوی شهیر ایرانی و راهبر مکتب کوفی، ایرانی دیگری به نام کسایی (۱۸۹ ه.ق) بود. در این میان عامل قدرتمند دیگری نیز بود که بر رونق علم و توسعه شعبه های مختلف آن در دوره عباسیان افزود: امامان شیعه در این دوره با حضوری فعال در عرصه علم و دانش به بسط فضیلت و رواج علوم به ویژه فقه پرداختند. امام باقر و امام صادق (ع) ب ارائه طرحی نودر تربیت دانش پژوهان ، نامبردار این عهد گشتند. امام باقر ع به دلیل وسعت دانش و تبقر در علوم به باقر العلوم شهره شد (مفید، ۱۳۸۸: ۱۵۵)

نتیجه گیری:

بررسی مقاله حاضر نشان میدهد که با روی کار آمدن عباسیان تغییر و تحولات فراوانی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی- آموزشی به وجود آمد که جامعه عصر حاضر را به کل دگرگون نموده و نوعی فرهنگ علم ورزی و دانش دوستی را در جامعه حکمفرما نموده است که این موضوع زمینه لازم برای گسترش کمی و کیفی کتابخانه و فرهنگ کتابخانههای را مهیا نمود این مسئله متأثر از چند عامل مهم بوده است اولاً، با روی کار آمدن عباسیان دوره ای از صلح و آرامش حکمفرما شده که این موضوع به تبع رونق و ثبات اقتصادی را به وجود آورده است ثانیاً؛ متأثر از آموزههای اسلامی و ارتباط فزاینده عباسیان با ملل و فرهنگ های دیگر کمکم زمینه برای تغییر نظام اجتماعی و آموزشی فراهم شد رابعاً، تغییر در نگرش فرهنگ و به تبع آن دیدگاه آموزشی خلفای عباسی مقدمه های برای گسترش و نشر علم و دانش شد که این موضوع میتواند زمینه ساز شکل گیری کتابخانهها را فراهم آورد بنابراین در نتیجه گیری از مقاله حاضر میتوان بیان داشت اعم موارد فوق دلایل اصلی توسعه فرهنگ کتابخانههای بودهاند و

عوامل دیگر همچون توصیه قرآن و سنت به علم آموزی، نقش دارالعلم و بیت الحکمه، نقش حکومت‌های اسلامی در توجه به علم و دانش، نقش مساجد و مکاتب، نقش فرهنگ حاکم بر عصر عباسی، نهضت ترجمه نقش مترجمان، توسعه کاغذ و تغییر و تحول نظام آموزش و پرورش عصر عباسیان به عنوان نقش کاتالیزور فرایند توسعه فرهنگ کتابخانه‌های محسوب میشوند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. مجلسی (۱۳۶۳)؛ بحارالأنوار، مترجم: موسوی همدانی، تهران: کتابخانه مسجد حضرت ولی العصر، تهران، ج ۲.
۳. حسن مصطفوی، (۱۳۷۹)، مصباح الشریعة، مرکز نشر کتاب.
۴. عبادی، شهین (۱۳۹۳) بررسی پیامد های آزادی های سیاسی و اجتماعی در عصر دوم عباسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ، گرایش تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی
۵. عنیمه، عبد الرحمان (۱۳۷۷) تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسای، تهران، نشر دانشگاه تهران، چاپ دوم
۶. محمدرضا فقیهی و محمد باقر پور امینی، (۱۳۸۸)؛ نهضت تولید علم در تمدن اسلامی، معارف - شماره ۶۷،
۷. مصطفی صبری، (۱۴۰۱)؛ موقف العقل والعلم والعالم من رب العالمین، ط: إحياء التراث.
۸. جمیلی، رشید (۱۳۸۵) نهضت ترجمه در شرق جهان اسلام، تهران: انتشارات سمت
۹. میان محمد شریف، (۱۳۵۹)، منابع فرهنگ اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران.
۱۰. مصطفی زمانی، (۱۳۴۸)، اسلام و تمدن جدید، تهران: کتابخانه صدر.
۱۱. جرج ساتن، (۱۳۶۴)، تاریخ علم، جلد اول، تهران، انتشارات فرانکلین، چاپ سوم، ص ۲۰۳، زین العابدین قربانی، (۱۳۷۱)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
۱۲. حجازی، فخرالدین (بیتا) نقش پیامبران در تمدن انسان، ج ۱۶، بعثت، بی جا.
۱۳. شکیب ارسلان، (۱۳۷۰)، تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا، ترجمه دوانی، علمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم
۱۴. جهانبخش ثواقب، (۱۳۸۱) سیرآموزش در میان مسلمین، تهران، نشر اسوه، .
۱۵. دائمی و همکاران (۱۳۹۹) کتابخانه دارالعلم شاپور در بغداد (۴۵۱-۳۸۳ ق) و تأثیر آن بر ارتقای سطح علوم در قرون چهار و پنج هجری (با تأکید بر دانش طب)، فصلنامه تاریخ علم، دوره ۱۸، شماره ۲
۱۶. هونکه (۱۳۸۶)، فرهنگ اسلام در اروپا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ۸.
۱۷. غلامرضا منتظری، (۱۳۸۸) فرهنگ اسلامی و نهادهای آموزشی در عصر سلجوقیان، پژوهشنامه تاریخ سال پنجم، شماره ۱۷
۱۸. درانی، (۱۳۸۰)، تاریخ آموزش و پرورش قبل و بعد از اسلام، ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

۱۹. سالم، عبدالعزيز (۱۳۸۰) تاریخ عرب به نقل از تاریخ آموزش در اسلام، ناشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. البغدادی، الخطیب، (۱۴۰۷) تاریخ بغداد، ج ۱، دار الکتب العلمیة - بیروت لبنان
۲۱. ابن ندیم، (۱۴۱۷) الفهرست، دار المعرفة، بیروت، چاپ دوم.
۲۲. تقوی زاده، سید حسن (۱۳۵۰) «تاریخ علوم در اسلام»، مقالات و بررسیها، دفتر پنجم و ششم
۲۳. طه، الحسین (۱۳۸۸) آیین اسلام، قم: انتشارات اندیشه مولانا
۲۴. رشید جمیلی، (۱۳۸۵) نهضت ترجمه در شرق جهان اسلام، تهران: سمت.
۲۵. ابن طقطقی، (۱۳۶۷)، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. شیخ مفید، (۱۳۸۸)، الاشارد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، قم: تعذیب.
۲۷. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۹۲، کارنامه اسلام، چاپ بیستم، تهران: انتشارات امیرکبیر
۲۸. اولیری، دلیسی، ۱۳۷۴، انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی
۲۹. زیدان، جرجی، ۲۰۰۱، تاریخ التمدن الاسلامی، تحقیق الدكتور حسین مونس، قاهره: دارالاهلال

منابع انگلیسی

۳۰. – Jonathan Berkey (2004). "Education". In Richard C. Martin (ed.). *Encyclopedia of Islam and the Muslim World*. MacMillan Reference USA .
۳۱. –S.P. Scott: *History of the Moorish Empire in Europe*; J.B. Lippincott Company, Philadelphia and London, 1904; vol 3; p. ۱۱۱
۳۲. –S.P. Scott: *History of the Moorish Empire in Europe*; J.B. Lippincott Company, Philadelphia and London, 1904; vol 3; p. 214.
۳۳. – Mackensen, R. Stelhorn. 'Background of the History of Muslim libraries.' *The American Journal of Semitic Languages and Literatures* 51 (January 1935) 114-125, p ۱۲۳. □□□ □□□□ □□□□□ □□ (□□□□□□□□ ۱۹۳۵) □□. ۲۲-۳۳, □□□□ □□□□ (□□□□□□□□ ۱۹۳۶): □□. ۱۰۴-۱۰۰.
۳۴. – B. Dodge: *Muslim Education in the Medieval Times*; The Middle East Institute; Washington D.C; 1962; p. 25.
۳۵. – Al-Khuli, Ali Muhammad al-Shadhili, *Dawr al masajid al- tarikhi fi al-tathqif al-Ilmi*, Cairo: Wazarat al-Awqaf, 1961, pp. 17 and 31; in M. Sibai: *Mosque Libraries*; op cit, p. 33.
۳۶. – F.B. Artz: *The mind, The Mind of the Middle Ages*; Third edition revised; The University of Chicago Press, 1980, p.151.
۳۷. –Lapidus, Ira M. (2014). *A History of Islamic Societies*. Cambridge University Press (Kindle edition). p. 217. ISBN 978-0-521-51430-9
۳۸. –Jonathan Berkey (2004). "Education". In Richard C. Martin (ed.). *Encyclopedia of Islam and the Muslim World*. MacMillan Reference USA

۳۹. -Lapidus, Ira M. (2014). *A History of Islamic Societies*. Cambridge University Press (Kindle edition). p. 210. ISBN 978-0-521-51430-9
۴۰. Hala Khalidi et al(2015), Facets from the Translation Movement in Classic Arab Culture, Social and Behavioral Sciences 205,pp: 570